



بررسی رابطه میان فساد و نرخ بیکاری در افغانستان طی سالهای ۲۰۰۲ الی ۲۰۲۱

امید محمدی^۱، امیرعباس موحدی^۲

^۱دپارتمنت پالیسی عامه، پوهنځی اداره و پالیسی عامه، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

^۲دپارتمنت اداره عامه، پوهنځی اداره و پالیسی عامه، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: abbasmowahid8@gmail.com

چکیده

این تحقیق به بررسی رابطه میان فساد و نرخ بیکاری در افغانستان طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱ می‌پردازد و این ارتباط را با استفاده از یک مدل تجربی، تحلیل می‌کند. الگوی مورد استفاده بر پایه مدلی است که انچاری در مطالعه همین عنوان در کینیا به‌کار برده است. داده‌های مورد نیاز از بانک جهانی گردآوری شده و با استفاده از نرم‌افزار (EViews) و روش حداقل مربعات معمولی، اثر متغیرهای مستقل بر متغیروابسته ارزیابی گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه رابطه فساد با نرخ بیکاری مثبت است اما این رابطه از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین رابطه منفی میان تورم و نرخ بیکاری نیز مشاهده می‌شود لکن این ارتباط نیز از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. در مقابل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه‌ای منفی و معنی‌دار با نرخ بیکاری دارد؛ نتیجه‌ای که از لحاظ نظری و تجربی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: فساد؛ بیکاری؛ تورم؛ رگرسیون و بانک جهانی

The Relationship Between Corruption and Unemployment in Afghanistan During The Years (2002-2021)

Omid Mohammadi¹ & Amir Abbas Mowahid²

¹Department of Public Policy, Faculty of Administration and Public Policy, Kabul University, Kabul, AF

²Department of Public Administration, Faculty of Administration and Public Policy, Kabul University, Kabul, AF

Email: abbasmowahid8@gmail.com

Abstract

The present study examines the relationship between corruption and the unemployment rate in Afghanistan during the period 2002–2021 and analyzes this relationship empirically. The analytical framework employed in this research is based on the model previously applied by Onchari in his study on Kenya under the same title. The required data were collected from the World Bank and analyzed using EViews software. The ordinary least squares (OLS) method was applied to evaluate the effects of independent variables on the dependent variable. The findings indicate that although the relationship between corruption and the unemployment rate is positive, it is not statistically significant. Similarly, the relationship between inflation and the unemployment rate is negative but also statistically insignificant. These two relationships are theoretically consistent but not empirically validated. In contrast, foreign direct investment demonstrates a negative and statistically significant relationship with the unemployment rate, a result that is supported both theoretically and empirically.

Keywords Corruption; Unemployment; Inflation; Regression; World Bank

ارجاع: محمدی، ا. و موحد، ا. ع. (۱۴۰۴). بررسی رابطه میان فساد و نرخ بیکاری در افغانستان طی سالهای ۲۰۰۲ الی

۲۰۲۱. ژورنال علمی- تحقیقی علوم اجتماعی- پوهنتون کابل ۸(۴). ۱۴۷-۱۶۰.

<https://doi.org/10.62810/jss.v8i4.411>

مقدمه

فساد اداری و اقتصادی یکی از پیچیده‌ترین چالش‌هایی است که کشورهای در حال توسعه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. در ادبیات اقتصادی، فساد به‌عنوان عاملی معرفی می‌شود که تخصیص منابع را مختل ساخته و مانع از سرمایه‌گذاری مولد می‌گردد. چنین شرایطی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر بازار کار و فرصت‌های شغلی تأثیرگذار است. در کشورهایی مانند افغانستان که ساختار نهادی ضعیف‌تر است، آثار فساد با شدت بیشتری بر معیشت مردم و روند بازسازی اقتصادی نمایان می‌شود. افغانستان طی دو دهه اخیر (۲۰۰۲-۲۰۲۱) با ورود حجم عظیمی از کمک‌های بین‌المللی و تلاش‌های گسترده برای بازسازی نهادها روبه‌رو بوده است؛ اما هم‌زمان با این تحولات، فساد گسترده در بخش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی، بخش قابل‌توجهی از این فرصت‌ها را از بین برد. در گزارش‌های بین‌المللی، افغانستان همواره در ردیف کشورهای دارای بالاترین سطح فساد قرار گرفته است. این وضعیت موجب گردید که نه‌تنها منابع مالی به‌درستی مدیریت نشود، بلکه روند سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نیز به‌شدت آسیب ببیند. پیامدهای این شرایط، مستقیماً در نرخ بالای بیکاری و محدودیت فرصت‌های شغلی بازتاب یافته است. بیکاری به‌عنوان یکی از معضلات ساختاری افغانستان، همواره در تعامل نزدیک با فساد قرار داشته است. نرخ بالای بیکاری در جامعه‌ای جوان و پویا، فشارهای اجتماعی و اقتصادی فراوانی ایجاد کرده و بستر مناسبی برای نارضایتی‌های سیاسی و حتی بروز بحران‌های امنیتی فراهم ساخته است. وجود فساد در فرایندهای اقتصادی و اداری، نه‌تنها مانع از جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل‌های جدید می‌شود، بلکه زمینه بی‌عدالتی در توزیع فرصت‌های شغلی را نیز فراهم می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که دسترسی به مشاغل اغلب از مسیر روابط غیررسمی، پرداخت رشوه و پیوندهای سیاسی امکان‌پذیر بوده است. این وضعیت، احساس محرومیت و بی‌اعتمادی را در میان اقشار جامعه تقویت کرده و خود به عاملی بازدارنده در مسیر توسعه اقتصادی تبدیل شده است. از منظر تاریخی، بررسی دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱ اهمیت ویژه‌ای دارد. این دوره از یک سو، دوره‌ای است که افغانستان با حجم وسیعی از کمک‌های خارجی برای بازسازی اقتصادی و نهادی روبه‌رو شد، و از سوی دیگر، به‌دلیل استمرار فساد اداری و سوءمدیریت، فرصت‌های به‌وجود آمده کمتر به‌بهبود واقعی در بازار کار منجر گردید. با وجود میلیاردها دالر کمک و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، نرخ بیکاری در سطح بالایی باقی ماند و حتی در برخی سال‌ها افزایش یافت. این مسئله نشان می‌دهد که فساد به‌عنوان متغیری کلیدی، توانسته است اثر منفی بر بهره‌وری منابع و فرآیند ایجاد اشتغال بر جای بگذارد. مطالعه رابطه میان فساد و بیکاری در افغانستان نه‌تنها ابعاد نظری و علمی دارد، بلکه از منظر سیاست‌گذاری نیز دارای اهمیت

جدی است. فساد، با ایجاد ناکارآمدی در اقتصاد و سیاست، به صورت مستقیم بر توان دولت برای مقابله با بیکاری اثر گذاشته و کارآمدی برنامه‌های اشتغال‌زایی را کاهش داده است. از این رو، پرداختن به این رابطه می‌تواند درک عمیق‌تری از ریشه‌های مشکلات اقتصادی افغانستان ارائه دهد و تصویری روشن‌تر از نحوه اثرگذاری فساد بر بازار کار ترسیم نماید.

فساد تهدید جدی علیه ثبات و امنیت پنداشته می‌شود. فساد پدیده فراگیر است و جغرافیای مشخص ندارد. اما میزان، نوع و شکل این پدیده از یک کشور تا کشور دیگر فرق می‌کند. کشورهای توسعه یافته با به کارگیری روش‌های گوناگون توانسته‌اند بر این پدیده غلبه کند و جامعه خود را از این آفت دور نگهدارند، در حالی که در کشورهای در حال توسعه و بیشتر از آن در کشورهای عقب مانده فساد به طور فزاینده رشد کرده و به بحران جدی مبدل شده است (نایب، ۱۳۹۵). کسانی که به فکر سلامت نظام اجتماعی بشر و رشد تکامل آنها بوده‌اند در اندیشه پیش‌گیری و مبارزه با این پدیده شوم اجتماعی افتاده‌اند. پیامبران الهی و اولیای حق، در این میان نقش بسیار برجسته داشته‌اند. آنان مبارزه با فساد و تباهی و برقراری قسط و عدل در جامعه را سرلوحه‌ی برنامه‌های تبلیغی خود قرار داده و در این راه، جان نثاری‌های فراوانی از خود نشان داده‌اند (فیضی، قسیم، ۱۳۹۹). بیکاری به عنوان یک شاخص اقتصادی، عریان‌ترین واژه است که با تاثیرات مخرب و مستمر، بسیاری از مشکلات را بوجود می‌آورد. بیکاری مولد اعتیاد، طلاق، تن فروشی، فحشا، بی‌سوادی، بی‌خانمانی، دزدی، جرم و جنایت است و حتی در بیشتر موارد باعث بروز تنش در خانواده‌ها گردیده و آرامش آن‌ها را برهم می‌زند (نوری، بابائیان، ۱۳۹۴). بیکاری که یکی از پدیده‌های اقتصادی قرن حاضر است، مشکلات زیادی را برای کشورها به بار می‌آورد. افراد بیکار، درآمدی دریافت نمی‌کنند. این امر باعث کاهش تقاضا برای تولیدات خواهد شد. در طرف مقابل اگر تولیدکننده نتواند کالای خود را به فروش رساند اجباراً سطح تولید را کاهش می‌دهد که این امر الزاماً همراه با اخراج نیروی کار از پروسه تولیدی خواهد بود. ضمن آن افراد بیکار به دولت مالیات پرداخت نمی‌کنند. عدم پرداخت مالیات توسط افراد باعث می‌شود درآمدهای دولت کاهش یافته و برنامه‌های عمومی نتواند تحقق پیدا کنند (دولت شاهی، ۱۳۷۰). تحقیق‌ها در صدد این هستند تا دریابند که فساد با بیکاری چه رابطه‌ی در افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۲۱ داشته است.

اهداف این تحقیق قرار ذیل است.

۱. بررسی رابطه میان فساد و نرخ بیکاری در افغانستان طی سال‌های (۲۰۰۲ الی ۲۰۲۱).
۲. بررسی رابطه میان کنترل فساد و نرخ بیکاری.

۳. بررسی رابطه میان نرخ تورم و نرخ بیکاری.

۴. بررسی رابطه میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نرخ بیکاری.

فرضیه‌های این تحقیق قرار ذیل است

۱. به نظر می‌رسد که رابطه مثبت و معنی‌داری میان فساد و نرخ بیکاری وجود دارد.
۲. کنترل فساد تاثیر مثبت و معنی‌داری بر کاهش نرخ بیکاری دارد.
۳. به نظر می‌رسد که یکی از عوامل موثر بر بیکاری افزایش نرخ تورم بوده است.
۴. به نظر می‌رسد که افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با افزایش بیکاری رابطه معکوس دارد.

پیشینه تحقیق

بوزید^۱ (۲۰۱۶) در مقاله با عنوان "رابطه پویا میان فساد و بیکاری جوانان (مشاهدات از رویکرد سیستمی GMM)" به رابطه علی میان فساد و بیکاری جوانان در دو دیدگاه پرداخته است. در این تحقیق نرخ بیکاری جوانان به عنوان متغیر وابسته بر روی فساد بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افزایش در فعالیت‌های فسادآمیز نرخ بیکاری جوانان و جستجوگران کار و تحصیل را افزایش می‌دهد.

کوری و ژوماشف^۲ (۲۰۱۸) در مقاله با عنوان "اثر فساد بر خروجی بازار کار" به بررسی رابطه بین فساد و عرضه نیروی کار با استفاده از داده‌های در ۱۳۲ کشور پرداخته است. نتایج نشان داده است که متغیر فساد اثر منفی و معنی‌داری بر عرضه نیروی کار دارد. همچنین متغیر اقتصاد سایه اثر منفی و معنی‌داری بر عرضه نیروی کار دارد، در حالی که متغیرهای کیفیت و سیاست‌گذاری و کیفیت مقررات اثرات مثبت و معنی‌داری بر عرضه نیروی کار دارند.

ادجر و کبالو^۳ (۲۰۱۸) در مقاله با عنوان "آیا فساد برای بیکاری در کشورهای SADC مهم است؟" به این سوال پاسخ می‌دهند که آیا فساد دلیل اصلی بیکاری در کشورهای SADC می‌باشد. در این تحقیق ۹ کشور SADC طی سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۶ بررسی می‌شود. نتیجه این تحقیق حاکی از این است که سطح تحصیلات و نابرابری درآمد به خوبی نرخ بیکاری کل را توضیح می‌دهند. در مورد بیکاری جوانان نیز، فساد عامل اصلی محسوب شده که خود از سطح تحصیلات پیروی می‌کند.

¹ Bouzid

² Cooray & Dzhumashef

³ Dope M. Adjor & Leleng Kebalo

انچاری^۴ (۲۰۱۹) در مقاله خود تحت عنوان "رابطه میان فساد و نرخ بیکاری در کینیا" روابط کوتاه مدت و بلند مدت را در بازه زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۷ بررسی کرده و نتایج این مقاله نشان می‌دهد که فساد و بیکاری در کوتاه مدت هیچ رابطه باهم ندارند؛ در حالی که در بلند مدت افزایش در فساد منجر به افزایش نرخ بیکاری می‌شود.

اسیین^۵ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله با عنوان "حکمرانی و بیکاری جوانان در نیجیریه" به بررسی رابطه بین مولفه‌های حکمرانی، بیکاری جوانان و رشد اقتصادی برای کشور نیجیریه با استفاده از آزمون (علیت گرنجر) پرداخته است. در این مطالعه فساد به عنوان یکی از مولفه‌های حکمرانی در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد، یک رابطه دوطرفه میان فساد و رشد اقتصادی وجود داشته و هم‌چنین رابطه دوطرفه رشد اقتصادی و بیکاری جوانان در کشور نیجیریه وجود دارد.

اولسی و دبارلی^۶ (۲۰۲۲) در تحقیق با عنوان "دموکراسی، فساد و بیکاری: شواهد تجربی از کشورهای در حال توسعه" به بررسی رابطه بین متغیرهای دموکراسی، فساد و نرخ بیکاری برای نمونه ۸۰ کشور در حال توسعه در بازه زمانی ۱۹۸۰ الی ۲۰۱۸ پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که یک رابطه منفی بین فساد و دموکراسی وجود دارد.

سید نورانی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق خود به بررسی اثرات شاخص‌های حکمرانی خوب و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۴ برای ۹۵ کشور در حال توسعه نفت خیز و غیر نفتی (۵ کشور نفت خیز و ۹۰ کشور غیر نفتی) پرداخته‌اند. در این مطالعه یکی از مولفه‌های اثر گذار بر حکمرانی خوب، شاخص کنترل فساد در نظر گرفته شده است. نتایج مطالعه حاکی از آنست که شاخص‌های حکمرانی خود تاثیر مطلوبی بر وضعیت اشتغال در کشورهای در حال توسعه دارند؛ به نحوی که با بهبود شاخص‌های حکمرانی از قبیل کنترل فساد، اشتغال در این کشورها افزایش می‌یابد. علاوه بر این اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال در کشورهای در حال توسعه مثبت است.

نوآوری تحقیق حاضر در آن است که برای نخستین بار رابطه میان فساد و بیکاری را در افغانستان طی دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ بررسی می‌کند؛ دوره‌ی که با تحولات سیاسی و اقتصادی گسترده همراه بوده است. این مطالعه علاوه بر تمرکز بر افغانستان، هم‌زمان نرخ بیکاری جوانان سرمایه‌گذاری خارجی را

⁴ Onchari, Douglas Getuma

⁵ Eseyin

⁶ Oueghlissi and Derbali

در ارتباط با فساد تحلیل کرده و با بهره‌گیری از روش‌های اقتصادسنجی پویا تصویری جامع‌تر از اثرات نهادی و ساختاری بر بازار کار افغانستان ارائه می‌دهد.

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ نوع داده کمی، از لحاظ ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی، به لحاظ هدف کاربردی و از بعد زمانی گذشته‌نگر می‌باشد. روش کار دیتای موجوده از نوع داده‌های سری زمانی، از نظر شیوه گردآوری داده‌های ثانویه، منبع که داده‌ها از آن گردآوری شده سایت معتبر بانک جهانی (WB) بوده که با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی توسط نرم‌افزار (Eviews) آزمون‌ها اجرا شده‌اند. بناء بیکاری (UNP) به عنوان متغیر وابسته و شاخص سنجش فساد حکمرانی جهانی (WGI)، تورم (INF) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به عنوان متغیرهای توضیحی (مستقل) استفاده گردیده‌اند. متغیرهای فوق را می‌توان به صورت تابعی مطابق شکل زیر نمایش داد.

(رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تورم، شاخص ادراک فساد) $f =$ بیکاری

مدل تحقیق

مدل حاضر با تبعیت از مدل تحقیقی که انچاری تحت همین عنوان در کینیا استفاده نموده بود ترتیب شده که قرار ذیل می‌باشد:

$$UNP_t = \beta_0 + \beta_1 WGI_t + \beta_2 INF_t + \beta_3 FDI_t + \varepsilon_t$$

که در آن:

$UNP_t = t$ نرخ بیکاری در زمان

$WGI_t = t$ سنجش فساد حکمرانی جهانی (کنترل فساد) در زمان

$INF_t = t$ نرخ تورم در زمان

$FDI_t = t$ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمان

$\varepsilon_t = t$ خطا در زمان

$\beta_0, \beta_1, \beta_2, \beta_3 =$ ضرایب رگرسیون

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر افغانستان می‌باشد.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج بدست آمده از آزمون‌ها

جدول ۱: نتیجه آزمون مانایی

متغیرهای تحقیق	tآماره	احتمال
فساد	-4.963653	0.006
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	-۳,۸۱۹۶۳۷	0.0454
تورم	-۴,۳۵۸۹۹۹	0.0171
نرخ بیکاری	-3.959628	0.0324

نتایج حاکی از اینست که متغیرهای تحقیق مانا هستند یعنی اوسط/میانگین، وریانس و کوروارینانس در طول زمان ثابت هستند. اثبات مانایی تضمین می‌کند که روابط تخمین شده بین متغیرها تصادفی نیستند و قابل اعتمادند. فرضیه صفر مبنی بر غیر مانا بودن داده‌ها رد می‌شود و فرضیه مقابل مبنی بر مانا بودن داده‌ها تأیید می‌شود. البته باید اضافه کرد که فساد و نرخ بیکاری در تفاضل دوم (2th difference) و یا با سه بار تفاضل‌گیری مانا شده‌اند ولی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نرخ تورم در تفاضل اول (1st difference) و یا با دو بار تفاضل‌گیری مانا شده‌اند، یعنی مقدار پراگندگی در داده‌های فساد و نرخ بیکاری بسیار زیاد بوده.

جدول ۲: نتیجه آزمون خود هم‌بستگی

آزمون خود هم‌بستگی	
Durbin-Watson sat	2.008035

بر اساس آزمون دورین-واتسن، که نتیجه آن 2.008035 و بسیار نزدیک به مقدار مطلوب 2 است وجود خود هم‌بستگی یا خود هم‌بستگی سریالی در مدل رد می‌گردد. اگر نتیجه آزمون دورین-واتسن بین ۱.۵ الی ۲.۵ باشد هم‌بستگی در مدل وجود ندارد. فرضیه صفر مبنی بر این که بین خطاها خود هم‌بستگی وجود ندارد تأیید می‌شود و فرضیه مقابل مبنی بر این که بین خطاها خود هم‌بستگی وجود دارد رد می‌شود. یعنی میان اجزای اخلاص خود هم‌بستگی وجود ندارد. بناء گفته می‌توانیم که روش حد اقل مربعات معمولی برای تخمین مدل مناسب می‌باشد.

جدول ۳: نتایج آزمون ناهمسانی وریانس

احتمال	آماره	فرضیه صفری
0.2243	1.645615	فرضیه صفری رد نمی‌شود (تایید همسانی در مدل وریانس)

نتایج آزمون ناهمسانی وریانس نشان می‌دهد که فرض برابری وریانس‌ها رد می‌شود. مقدار دقیق $p\text{-value} = 0.2243$ است. بنابراین، وریانس گروه‌ها به طور معناداری نابرابر است. فرضیه صفر رد نمی‌شود یعنی خطاها وریانس (پراگندگی) یکسان دارند. و فرضیه مقابل رد می‌شود. چون مقدار احتمال بزرگتر از 0.005 است.

جدول ۴: نتایج آزمون هم‌خطی

متغیرها	VIF
فساد	1.003441
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	1.170233
نرخ تورم	1.16721

بر اساس نتایج آزمون هم‌خطی که از طریق مقادیر عامل تورم وریانس (VIF) انجام شد، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل هم‌خطی جدی میان متغیرهای مستقل فساد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نرخ تورم وجود ندارد. مقادیر (VIF) به دست آمده برای این متغیرها به ترتیب 1.003441، 1.170233 و 1.16721 هستند و این نشان می‌دهد که همبستگی شدید یا خطی قابل توجهی بین متغیرهای مستقل مدل وجود نداشته و می‌توان با اطمینان از نتایج تحلیل‌های رگرسیونی استفاده نمود. فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌خطی در بین متغیرهای مستقل رد نمی‌شود و فرضیه مقابل مبنی بر وجود هم‌خطی رد می‌گردد.

جدول ۵: نتایج آزمون نورمالیتی

احتمال	Jorque-bera
0.668246	0.715966

با توجه به مقدار احتمال بدست آمده (0.68246) که بزرگتر از سطح معنی داری 0.05 است، فرض صفر (مبنی بر نرمال بودن داده‌ها) رد نمی‌شود. بنابراین، شواهد آماری کافی برای اثبات انحراف داده‌ها از توزیع نورمال وجود ندارد. با این حال، مقدار احتمال نزدیک به 0.05 است، لذا توصیه می‌شود در تفسیر نتایج آزمون‌های پارامتریک (مانند t-test و ANOVA) احتیاط شود و برای اطمینان بیشتر از روش‌های ناپارامتریک یا تبدیل داده‌ها نیز استفاده شود. به بیان ساده؛ داده‌ها در این آزمون نرمال در نظر گرفته می‌شوند، اما به دلیل نزدیکی احتمال به مرز 0.05 بهتر است در تحلیل‌های حساس نتیجه را با احتیاط بپذیرید.

برآورد مدل

باتوجه به آزمون‌های انجام شده، برآورد الگو با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) انجام شده که در جدول زیر ارایه گردیده است.

جدول ۶: نتیجه برآورد الگو با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی

متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره t)	احتمال
عرض از مبدا c	1.066763	0.158947	6.71145	0.000
فساد	0.091834	0.107544	0.853924	0.4058
تورم	-0.007035	0.039551	-0.177874	0.8611
سرمایه گذاری مستقیم خارجی	-0.007035	0.029886	-2.609502	0.019
R-squared		0.367167		
Adjusted R ²		0.248511		
F-statistic		3.09438		
Pro(F-statistic)		0.056663		

عرض از مبدا: ضریب آن ۱.۰۶۶۷، آماره آن ۶.۷۱ (خیلی بزرگ) و احتمال ۰.۰۰۰۰۰ است. تفسیر آن؛ وقتی همه متغیرهای مستقل صفر باشند، مقدار نرخ بیکاری به طور میانگین حدود ۱.۰۶ خواهد بود. از نظر آماری هم معنی دار است (چون احتمال > 0.05 است).
فساد: ضریب آن ۰.۰۹۱۸، آماره آن ۰.۸۵ و احتمال آن ۰.۴۰۵۸ است (بزرگتر از ۰.۰۵ معنی دار نیست). رابطه فساد با بیکاری مثبت است به این معنی که افزایش فساد باعث افزایش بیکاری می شود، اما چون احتمال آن بیشتر از ۰.۰۵ است، این اثر از نظر آماری معنی نیست. یعنی نمی توان مطمئن بود که فساد واقعاً روی بیکاری اثر دارد.

تورم: ضریب آن ۰.۰۰۷۰، آماره ۰.۱۷۷- و احتمال ۰.۸۶۱۱ (خیلی بزرگ) است. رابطه تورم با بیکاری منفی است (افزایش تورم باعث کاهش بیکاری می شود) ولی چون این اثر بسیار کوچک و بی معنی است (احتمال خیلی زیاد)، این متغیر تاثیر معناداری روی بیکاری ندارد.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی: ضریب ۰.۰۷۸۰، آماره ۲.۶۰- و احتمال ۰.۰۱۹۰ است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثر منفی و معنی داری روی نرخ بیکاری دارد. یعنی هرچه سرمایه گذاری

مستقیم خارجی افزایش پیدا کند نرخ بیکاری کاهش می‌یابد و این نتیجه از نظر آماری قابل اعتماد است.

ضریب تعیین (R-square): حدود ۰.۳۶۷ است یعنی ۳۶.۷ درصد تغییرات بیکاری توسط سه متغیر فساد، تورم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توضیح داده می‌شود. بقیه (۶۳٪) ناشی از عوامل دیگر است که در مدل وجود ندارد.

ضریب تعیین تعدیل شده (R^2 Adjusted): ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰.۲۴۸ است. نشان می‌دهد که بعد از در نظر گرفتن متغیرها، مدل فقط ۲۴.۸ درصد تغییرات بیکاری را توضیح می‌دهد. بر اساس نتایج بدست آمده از برآورد مدل با روش حداقل مربعات معمولی (OLS) می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که از میان متغیرهای مستقل شامل فساد، تورم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تنها متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای اثر معنی‌دار و قابل اعتماد بر نرخ بیکاری می‌باشد. ضریب این متغیر منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار است که نشان می‌دهد افزایش جریان سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به کاهش بیکاری در کشور منجر گردد. این یافته‌ها با مبانی نظری و تجربی نیز سازگار است، زیرا ورود سرمایه خارجی زمینه‌ساز رشد تولید، انتقال تکنولوژی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و در نتیجه کاهش نرخ بیکاری می‌گردد. در مقابل، متغیرهای فساد و تورم با وجود آنکه به ترتیب دارای ضریب مثبت و منفی می‌باشند، اما از نظر آماری فاقد معنی‌داری بوده و نمی‌توان ادعا نمود که این متغیرها در چارچوب داده‌های این تحقیق اثر مستقیم و قابل ملاحظه‌ای بر بیکاری داشته باشند. به ویژه رابطه تورم و بیکاری که به صورت منفی برآورد گردیده، از لحاظ نظری با منحنی فلیپس سازگاری دارد، ولی به دلیل سطح احتمال بلند، نمی‌توان این رابطه را به عنوان یک یافته قطعی قلمداد نمود. همچنین ضریب تعیین (R^2) نشان می‌دهد که تنها بخشی از تغییرات نرخ بیکاری توسط متغیرهای انتخاب شده توضیح داده می‌شود و بخش عمده آن متاثر از عوامل دیگر است. بر این اساس می‌توان اظهار نمود که مدل حاضر علی‌رغم نشان داده برخی روابط مهم، دارای محدودیت‌های قابل ملاحظه می‌باشد و برای تقویت آن لازم است در تحقیقات آینده متغیرهای دیگری چون رشد اقتصادی، سطح تعلیم و تربیه، ساختار بازار کار، مصارف عامه دولت و سایر شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی نیز در نظر گرفته شوند. بدون شک بررسی جامع‌تر این متغیرها می‌تواند به درک عمیق‌تر علل بیکاری و ارائه سیاست‌های موثرتر برای کاهش آن کمک شایانی نماید.

مناقشه

یافته‌های تحقیق‌ها نشان می‌دهد که فساد رابطه‌ای مثبت با نرخ بیکاری در افغانستان دارد، اما این رابطه از نظر آماری معنادار نیست. این نتیجه با برخی مطالعات بین‌المللی مانند تحقیق انچاری (۲۰۱۹) در کنیا هم‌خوانی دارد که در کوتاه‌مدت رابطه‌ای میان فساد و بیکاری مشاهده نکرد، ولی در بلندمدت اثر منفی فساد بر بازار کار را تأیید کرد. در عین حال، نتایج این تحقیق با مطالعاتی چون بوزید (۲۰۱۶) و ادجر و کبالو (۲۰۱۸) که فساد را عامل اصلی افزایش بیکاری جوانان دانسته‌اند، تفاوت دارد. این اختلاف می‌تواند ناشی از شرایط خاص افغانستان باشد؛ از جمله ضعف نهادی، پراکندگی داده‌ها و وابستگی شدید اقتصاد به کمک‌های خارجی.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این تحقیق اثر منفی و معناداری بر نرخ بیکاری داشته است. این یافته با مطالعات سید نورانی و همکاران (۱۳۹۹) هم‌راستا است که نشان داد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه موجب افزایش اشتغال می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که در افغانستان نیز سرمایه‌گذاری خارجی در صورت وجود محیط نهادی سالم، ظرفیت بالایی برای کاهش بیکاری دارد. در مورد تورم، رابطه منفی اما غیرمعنادار با بیکاری مشاهده شد؛ نتیجه‌ای که با نظریه‌های کلاسیک اقتصادی (مانند منحنی فیلیپس) همخوانی ندارد و می‌تواند ناشی از بی‌ثباتی ساختار اقتصادی افغانستان باشد.

این افتراقات نشان می‌دهد که فساد در افغانستان بیش‌تر به صورت غیرمستقیم بر بازار کار اثر گذاشته است؛ یعنی با کاهش اعتماد عمومی، ناکارآمدی نهادی و محدود کردن سرمایه‌گذاری، زمینه‌های ایجاد اشتغال را تضعیف کرده است. و در نتیجه، اگرچه داده‌های آماری رابطه مستقیم و معناداری را نشان نمی‌دهند، اما شواهد کیفی و تجربی حاکی از اثرگذاری جدی فساد بر بیکاری هستند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با تمرکز بر دوره‌ی زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱، تصویری جامع از رابطه میان فساد، بیکاری، تورم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در افغانستان ارائه می‌دهد. در مقدمه نشان داده شد که فساد اداری و اقتصادی یکی از مهم‌ترین موانع توسعه و اشتغال‌زایی در کشور بوده که با وجود ورود کمک‌های بین‌المللی، فرصت‌های شغلی پایدار ایجاد نشده است. مرور پیشینه تحقیق نیز نشان داد که در بسیاری از کشورها فساد اثر منفی بر بازار کار دارد، هرچند شدت و شکل این اثر بسته به شرایط نهادی متفاوت است. روش تحقیق با استفاده از داده‌های بانک جهانی و مدل اقتصادسنجی سری زمانی، امکان تحلیل دقیق روابط میان متغیرها را فراهم ساخت. یافته‌ها نشان دادند که فساد رابطه‌ای مثبت اما غیرمعنادار با

بیکاری دارد، تورم رابطه‌ای منفی و غیرمعنادار دارد، و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه‌ای منفی و معنادار با بیکاری دارد.

برآیند این نتایج بیانگر آن است که فساد در افغانستان بیش از آن‌که در داده‌های کمی اثر مستقیم بر بیکاری نشان دهد، به صورت نهادی و ساختاری مانع توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی شده است. در مقابل، سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یک متغیر کلیدی توانسته اثر مثبت و معناداری بر کاهش بیکاری داشته باشد. این امر اهمیت ایجاد محیط نهادی سالم، کنترل فساد و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را برجسته می‌سازد.

از منظر پالیسی‌گذاری، تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بدون اصلاح نهادی و کاهش فساد، حتی حجم عظیم کمک‌های خارجی نیز نمی‌تواند به کاهش پایدار بیکاری منجر شود. بنابراین، کنترل فساد، تقویت شفافیت نهادی و ایجاد بستر امن برای سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به عنوان راهبردهای کلیدی برای کاهش بیکاری و توسعه اقتصادی افغانستان در نظر گرفته شود.

سهم نویسندگان در تحقیق (مقاله)

مقاله حاضر استخراج شده از مוגراف دوره لیسانس "امید محمدی" بوده که تحت رهنمایی استاد محترم امیرعباس موحد تکمیل گردیده بود. نظر به علاقه بنده و همکاری استاد محترم به صورت مشترک تهیه گردیده است.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافع بین نویسندگان وجود ندارد.

منابع

- الماسی، ف؛ ابراهیمی، م و زارع، هـ. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین فساد و بیکاری در کشورهای عضو اوپک: رهیافت گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی. تحقیق‌های اقتصادی صنعتی، ۸۹-۱-۷.
- دولت شاهی، د. (۱۳۷۰). *مبانی علم اقتصاد*. تهران: پژمان.
- رازقی، ق. (۱۴۰۳). مطالعه مقایسوی نرخ بیکاری در افغانستان و هند طی سال‌های (۲۰۱۰-۲۰۲۲).
- شورای متخصصان هرات. (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی و فرهنگی فساد اداری در افغانستان. مهرحیب: هرات.
- عزیز خانی، ف. (۱۴۰۱). شاخص نرخ بیکاری و چالش‌های نظام تصمیم‌گیری. مرکز تحقیق‌های مجلس شورای اسلامی.
- فیضی، ف؛ قسیم، ش. (۱۳۹۹). واکاوی فساد اداری و چگونگی تاثیر آن در ناکارآمدی روند فعالیت‌های اداری. مجله علمی تحقیقی حوزه علوم اجتماعی پوهنتون کابل، ۱۶۳-۱۸۲.
- مجددی، ش. (۱۳۹۴). افغانستان در چنگال خونین فساد. کابل.
- نایب، م. (۱۳۹۵). رهنمود مبارزه با فساد اداری. کابل.
- نوری، ر؛ بابائیان، ع. (۱۳۹۴). تاثیر شناخت بیکاری در گرایش جوانان به اعتیاد با تاکید به عوامل جمعیت‌شناختی شهر همدان. فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی استان همدان، ۱۰۳-۱۳۵.
- Adjor, D. M., & Kebalo, L. (2018). Does corruption matter for unemployment in SADC countries? *Review of Economic and Business Studies*, 11(2), 65–92. <https://doi.org/10.1515/rebs-2018-0074>
- Kırşanlı, F. (2023). Unemployment–corruption relationship in OECD countries: System GMM approach. *Business and Economics Research Journal*, 14(1), 1–17. <https://doi.org/10.20409/berj.2023.400>
- Onchari, D. G. (2019). The relationship between corruption and unemployment rates in Kenya. *Akademi Sosyal Bilimler Dergisi*, 6(17), 309–318. <https://dergipark.org.tr/en/pub/asbd>
- Oueghlissi, R., & Derbali, A. (2023). Democracy, corruption and unemployment: Empirical evidence from developing countries. *Journal of the Knowledge Economy*. <https://doi.org/10.1007/s13132-023-01204-0>
- Qadar, M., & Muhammad, N. (2013). Unemployment is an outcome of corruption. *International Journal of Advanced Research in Economics and Commerce*, 1(1), 45–56. <https://isrjournals.org>
- Bouزيد, B. N. (2016). Dynamic relationship between corruption and youth unemployment: Empirical evidences from a system GMM approach. *World Bank Policy Research Working Paper*. Washington, DC: The World Bank. Retrieved from <https://openknowledge.worldbank.org>
- Cooray, A., & Dzhumashev, R. (2018). The effect of corruption on labour market outcomes. *Economic Modelling*, 74, 207–218. Elsevier. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2018.05.015>

- Eseyin, O., Oloni, E., Ogunjobi, O., & Abiodun, F. (2021). Governance and youth unemployment in Nigeria. *International Journal of Financial Research*, 12(1), 220–231. Sciedu Press. <https://doi.org/10.5430/ijfr.v12n1p220>
- Seyed Noorani, S., Ebrahimi, M., & Zare, A. (2020). Governance indicators and foreign direct investment effects on employment in developing countries. *World Bank Policy Research Working Paper*. Washington, DC: The World Bank. Retrieved from <https://worldbank.org>